

## زندگی و آثار حکیم ملانعیما طالقانی

حسنیه سلطانیان

محمد نعیم بن محمد تقی عرفی طالقانی از حکما، فلاسفه و عارفان قرن دوازدهم هجری است. دربارهٔ سال و محل تولد وی اطلاع دقیقی در دست نیست، لیکن با استناد به نسخه‌ای از حاشیهٔ دوانی به شرح المطالع و حاشیهٔ میرسید شریف بر آن که به خط ملانعیما موجود است می‌توان حدس زد که او پیش از سال ۱۰۰۰ ق متولد شده باشد!

وی دوران کودکی را در قزوین گذراند و نزد والدش شیخ محمد تقی طالقانی دورهٔ مقدماتی علوم را طی کرد و سپس عازم اصفهان شد. در آنجا از محضر ملا محمد صادق اردستانی و فاضل هندی بهره برد. وی در این مدت به جهت قدر و منزلت علمی و شرافت و نجابت خانوادگی از جانب سلطان صفوی به ریاست کتابخانهٔ سلطنتی منصوب شد و شاه سلطان حسین

صفوی به او ارادت و عنایت داشته است.<sup>۱</sup>

ملائعیم، تا هجوم افغان‌ها در اصفهان به سر برده و این مدت را به تحقیق و تألیف و تدریس و تعلیم گذرانده است. با هجوم افغان‌ها وضعیت اصفهان به کلی دگرگون شد و گرسنگی و قحطی و بیماری در آن شهر باعث مرگ بسیاری از مردم گردید و از اینرو مردم دسته‌دسته جان خود را از دست دادند.

محاصره افغان‌ها هر روز شدیدتر شد و سرانجام اصفهان پس از شش ماه محاصره بدون هیچ‌گونه عکس‌العملی علیه محمود افغان از جانب دولت صفوی در ۱۲ محرم ۱۱۳۵، به تصرف افغانان درآمد.<sup>۲</sup> هجوم افغانان یاد و خاطره قتل و کشتار مغولان را زنده کرد.<sup>۳</sup> اصفهان و اطراف آن ویران شد و بسیاری از دانشمندان از میان رفتند. در این میان اقوام و نزدیکان ملائعیم نیز در امان نماندند و بسیاری از آنان کشته شدند.

ملائعیم در مقدمه کتاب *اصل الأصول* چنین گزارش می‌دهد:

زمانی تألیف این کتاب را از من خواستند که گردش روزگار تیغ خصومت آخته و بر مردم داخته؛ لشکریان افغان، اصفهان و اطراف آن را ویران و بیش‌تر مردم و به خصوص نزدیکان مرا نابود ساخته بودند و من خود به قم مهاجرت کرده و غربت گزیده و سخت پریشان خاطرم.<sup>۴</sup>

ملائعیم، به گفته خود، در مدت شش ماهه محاصره افغان‌ها از شهر

۱. سفرنامه طالقان، صنیع الدوله، به ضمیمه فشنک‌پور کریمی و مقدمه جلال آل‌احمد، چاپ

۲. ایران عصر صفوی، راجر سیوری، ترجمه احمد صبا، انتشارات کتاب تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۲۴.

۳. استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی هجوم افغان‌ها را یکی مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی علمی به شمار آورده است که باعث شد استعداد ایرانی قرن‌ها از شکوفایی محروم ماند.

۴. اصل‌الأصول، انتشارات انجمن حکمت و فلسفه، تهران، ۱۳۵۷.

اصفهان گریخت و به قم عزیمت کرد. در این شهر به درخواست برخی از فضلا کتابی با عنوان *اصل الأصول* آنهم در وضعی آشفته و هراسان تألیف کرد. وی در اوایل ۱۱۳۵ ق، پس از اتمام تألیف کتاب *اصل الأصول*، از قم به سوی طالقان عزیمت کرد و بعید نیست که برخی از بزرگان صفوی علاوه بر آثار ارزشمند علمی همراه او بوده باشند. عزیمت ملانعیما به طالقان اگر چه علاقه وی را به وطن نشان می دهد اما در عین حال به نظر می رسد بیشترین هدف وی نجات کتب ذی قیمت از خطر نابودی بوده باشد. به همین خاطر بسیاری از کتب نفیس و ارزنده را در اتافی مخفی کرد تا در آن دوره آشوب و ناامنی از خطر نابودی در امان باشد. معهذاً به خانه اش هجوم بردند، ولی ابتدا نتوانستند جای کتابخانه را بیابند تا اینکه متوجه شدند مساحت کف اطافی، کوچک تر از اندازه بام آن است، پس دیوار کتابخانه را شکافتند و کتاب ها را با خود به افغانستان و بعد به هندوستان بردند!

وی از این زمان (۱۱۳۶ ق) تا ۱۱۶۰ ق که سال درگذشت او است، در طالقان ماند.

تقوی و ایمان شگفت انگیز ملانعیما علاوه بر علم و دانش و فضل او باعث گردید تا مردم و بزرگان آن دیار به وی روی آورند و هم اکنون نیز اهالی طالقان کرامات عجیبی به او نسبت می دهند. از جمله کرامات مشهور درباره او این است که:

روزی ذوات مقدس معصومین علیهم السلام به خانه ملانعیما تشریف آورده بودند. صبیۀ آقا نعیم می بیند که بر ایوان خانه، ۱۲ نعلین سبزرنگ در کنار هم نهاده شده اند به سوی پدر می شتابد و آنچه را که

دیده بوده او می‌گوید، آقانعیما او را از بیان این مطلب تخریب می‌کند و به شدت او را عقاب می‌کند و به فرزندش می‌گوید آنان عزیزان و سروان من هستند که قدم رنجه کرده‌اند...<sup>۱</sup>

### شرح مختصری از زندگی نیاکان و فرزندان ملانعیما

مولانا محمدکاظم طالقانی قزوینی، جدّ دوم ملانعیما، که طالقانی الاصل بوده و بعدها در قزوین سکونت گزیده است و از اینرو به قزوینی نیز شهرت دارد. وی از فلاسفه و متکلمان بزرگ قرن یازدهم قمری است که سرسلسله بزرگترین و مهمترین خاندان‌های علمی و معروف طالقانی، صالحی، شهیدی، نحوی و نعیمی در شهرهای قزوین، نجف، کربلا، رشت، مازندران، طالقان و قسم است. وی سال‌ها در قزوین در مدرسه نواب، فلسفه و حکمت تدریس کرده است و بزرگانی از محضر او بهره برده‌اند و او خود از محضر سه حکیم بزرگ زمان یعنی شیخ بهائی، میرداماد و میرفندرسکی بهره برده است.

شیخ حرّعاملی در *أمل الامل* می‌گوید: *تألیفات فقهی*  
 مولانا محمدکاظم، طالقانی الاصل بوده و در قزوین زندگی کرده است. وی از دانشمندان عصر حاضر است. او مدرّس مدرسه نواب قزوین بود و در محرم ۱۰۹۴ درگذشت.

این گزارش در *ریاض العلماء*<sup>۲</sup> و *اعلام الشیعه* نیز آمده است.

در مقدمه کتاب *موسوعة البرغانی* به نقل از آقابزرگ طهرانی چنین آمده است:

۱. به نقل از فاضل و دانشمند فرزانه، حجة الاسلام آقا کاظم نعیمی که خود از اعقاب ملانعیماست.

۲. ج ۵، ص ۱۵۳.

شیخ حرّ عاملی، لفظ مولانا را جز بر افرادی مثل ملا محمد تقی مجلسی و ملا محمد صالح مازندرانی اطلاق نمی‌کرد و البته هر دو آنها مسن‌تر و مشهورتر از او بوده‌اند.

نخستین جدّ ملا نعیم، مرحوم محمد جعفر طالقانی ملقب به «فرشته» است. علامه مجلسی در متن اجازه‌نامه وی، از او این‌گونه یاد کرده است:

سید بلند مرتبه، فاضل کامل، صالح رستگار، متقی تیزفهم و روشن ضمیر مولانا محمد جعفر طالقانی فرزند مرد صالح خدا، مرحوم مغفور مولانا محمد کاظم طالقانی.

تاریخ این اجازه در ۱۰۹۵ ق بوده و متوفی به سال ۱۱۳۳ ق است. آرامگاهش در طالقان است و مزار او را زیارت می‌کنند.<sup>۱</sup> عبدالحسین صالحی در این باره می‌گوید:

کتاب اشتراط الحسن فی الشهادة از آثار یگانه درباره چگونگی شهادت شخص کر و لال است و این موضوع مبین تعمق او در مسائل عقلانی است وی در آن کتاب مسائل فقهی را با مباحث فلسفی جمع کرده است. از آثار دیگر او حواشی بر کتب فلسفی و رسائل حکمی است.<sup>۲</sup>

در قزوین مدرسه‌ای به نام مدرسه ملا محمد جعفر طالقانی بوده که بعدها به مدرسه حسن خان معروف شده است.

پدر ملا نعیم طالقانی، ملا محمد تقی طالقانی از شاگردان میرزا حسن بن ملا عبدالرزاق لاهیجی است. در مقدمه کتاب موسوعه البرغانی آمده: ملا محمد تقی طالقانی که از بزرگان علماء امامیه و مراجع تقلید بوده و غایه

۱. اعلام الشیعة، ص ۴۶۳؛ ص ۱۳۷؛ موسوعه البرغانی، ص ۱۴؛ تلامذ المجلسی، ص ۸۹؛

۲. مجله حوزه، ش ۵۸، ص ۱۸۴.

زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۲۴.

المرام فی شرح شرایع الاسلام از تألیفات او است. در اعلام الشیعه (قرن دوازدهم، ص ۱۱۷) سال وفات او ۱۱۶۱ ق ذکر شده است.

برادر ملا نعیم، ملا محمد مشهور به «ملائکه» (م ۱۲۰۰ ق) پدر ملا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث و ملاعلی برغانی و ملاصالح برغانی، نویسنده کتاب غنیمة المعاد فی شرح الارشاد است که قسمتی از آن در بخش‌هایی تحت عنوان موسوعة البرغانی چاپ شده است.

تحفة الابرار فی تفسیر القرآن، از دیگر تألیفات او است. وی اولین نفر از این خاندان است که به برغانی معروف شد و آرامگاهش نیز در همانجاست.<sup>۱</sup>

برادر دیگر ملا نعیم یعنی ملا محمد جعفر طالقانی، پدر ملا آقا قزوینی مشهور به حکمی، و ملا آقا قزوینی پدر شیخ احمد حکمی است. وی از پیشوایان علمای قزوین و رهبر جنبش مشروطه بود و به او نسبت ملا آقا داده‌اند. وی در ۱۲۸۵ ق وفات یافت.<sup>۲</sup>

اعتماد السلطنه در این باره می‌گوید:

آخوند ملا آقا حکمی قزوینی از فلاسفه برجسته اسلام و صدرالدین روزگارش بود. طلاب علوم عقلی از نقاط دور دست ایران نزد او می‌آمدند و به گرمی آنها را می‌پذیرفت. مرحوم آقا رضا قلی قزوینی که آوازهاش در سراسر کشور پیچیده بود به دست او پرورش یافت.<sup>۳</sup>

فرزند ملا نعیم، ملا محمد تقی طالقانی، همانم جدش است. در موسوعة البرغانی درباره او چنین آمده است: «او حکیم، فیلسوف، پیشوا و از بزرگ‌ترین دانشمندان زمانش بود. دو رساله به نام‌های رساله فی الصلوة

۱. اعلام الشیعه، قرن دوازدهم، ص ۷۰۵: موسوعة البرغانی، ص ۱۴.

۲. دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۶۳. ۳. المآثر والآثار، ص ۱۸۲.

المسافر و رسالة فی الرضاع و غیرها از خود بر جای گذاشت. ملا یوسف، نوه ملا نعیم، از بزرگ‌ترین فیلسوفان و متکلمان امامیه در قرن سیزدهم قمری بود و در مدرسه صالحیه قزوین تدریس می‌کرده است. وی در این خانواده اولین کسی است که به حکمی معروف شده است و خاندانش نیز به این لقب مشهورند. حواشی بر اسفار ملاصدرای یکی از آثار او است.<sup>۱</sup> اعتماد السلطنه درباره او می‌گوید:

وی اولین استاد کتب حکمت متعالیه در دارالسلطنه (قزوین) بوده و در آن‌جا بزرگانی از طلاب علوم عقلی را تربیت کرد. او در پارسایی و عبادت، یگانه و بی‌نظیر بود.<sup>۲</sup>

از دیگر فرزندان آقا شیخ محمد تقی، آقا شیخ ابوعلی عبدالمجید طالقانی است وی از عرفا و اجله علما بوده و رساله‌ای مختصر در معارف حقیقی اعم از حکمت و عرفان تألیف کرده است:

رساله کثیرالفایده و منتخب از مهمات مسائل غامضه حقه و تبیین مشکلات از عقاید حقیقیه حقه و تحقیق و موزات از عواصت عشره کامله مسماء به مشرق المفارق الهیه مشتمل بر مقدمه و دو مطلب و خاتمه.<sup>۳</sup>

شیخ احمد حکمی نتیجه ملا نعیم و فرزند ملا یوسف نیز از علمای قزوین بوده است.<sup>۴</sup> استاد آشتیانی می‌گوید:

از میان نوه‌های ملا نعیم که به نعیمایی معروفند، عدّه کثیری از آنها از علما و بیش‌ترشان از ادبا و شعرا هستند.<sup>۵</sup>

۱. دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲. المآثر والأثار، ص ۱۶۳.

۳. در قلمرو تفکیک، انتشارات دارالنشر اسلام، قم، ۱۳۷۴، ص ۱۲.

۴. دایرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۶۸.

۵. مقدمه کتاب منهج الرشاد، آیت‌الله رضا استادی.





## آثار ملانعیما طالقانی

۱. کتاب *اصل الأصول*، در مباحث وجود و توحید ذات و برخی مباحث عرفانی. تاریخ تألیف ۱۱۳۵ ق است و مشخصات سه نسخه از آن در جلد پنجم از فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی و مشخصات نسخه دیگر در فهرست کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است. رساله *اصل الأصول* با مقدمه و تعلیقات استاد جلال‌الدین آشتیانی در دو چاپ منتشر شده است.
۲. *فصل الخطاب فی تحقیق الصواب*، رساله در قضا و قدر.
۳. *حدوث العالم*، این کتاب در طالقان تألیف شده و در ۱۱۳۶ ق به اتمام رسیده است و شامل یک مقدمه، سه فصل و خاتمه است.<sup>۱</sup>
۴. *تنقیح المرام فی شرح تهذیب الاحکام*. تاریخ تألیف این کتاب، ۱۱۴۷ ق<sup>۲</sup> است.
۵. *العروة الوثقی فی امامة ائمة الهدی*، نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی نگه‌داری می‌شود و نسخه اصل آن کتاب که به خط مؤلف است در کتابخانه موقوفه ملا محمد صالح برغانی در کرمان موجود است.<sup>۳</sup> این کتاب در مباحث کلامی و بسیار عمیق امامت تألیف شده است و تاریخ تألیف آن ۱۱۵۸ ق است.
۶. رساله *فی جریان التکشیف فی العرضیات و الذّاتیات* که در آخر مقدمه رساله *اصل الأصول* ذکر شده است.<sup>۴</sup>

۲. فهرست کتابخانه مدرسه مروی، ص ۹۴.

۱. اعلام‌الشیعة، ج ۱۲، ص ۷۹.

۳. مجله حوزه، ش ۴، ص ۱۳۷۲.

۴. منتخبانی از آثار حکمای ایران، ج ۳، ص ۳۸۹.

۷. حواشی بر شرح الاشارات. این کتاب نیز در اواخر مقدمه رساله اصل الأصول ذکر شده است.
۸. شرح المطالع که حاشیه‌ای مفصل بر شرح مطالع است.<sup>۱</sup> نسخه‌ای از آن را صاحب کتاب اعیان الشیعة، محسن امین، در کرمانشاه دیده است و تاریخ تألیف آن ۱۱۲۳ ق است.
۹. رساله فی العلم. این رساله به نسخه‌ای از اصل الأصول در کتابخانه مدرسه آیه‌الله بروجردی در نجف اشرف ضمیمه شده است و شیخ آقا بزرگ طهرانی (در الذریعة) احتمال می‌دهد که آن نیز از تألیفات ملا نعیم است.
۱۰. قاعدة صدور کثیر از واحد.
۱۱. الجبر والتفویض.
۱۲. شرح اشارات ابن سینا.
۱۳. مسائل فلسفی که در ماهیت و هویت وجود و وجود واجب و انقسام آنها تألیف شده است.
۱۴. منهج الرشاد فی اثبات معرفة المعاد. از مهم‌ترین آثار ملا نعیم طالقانی در «معاد جسمانی» است. استاد آشتیانی در مقدمه آن چنین آورده است: این کتاب در نوع خود بی‌نظیر است. چندسال در خصوص کتابی در معاد که مؤلف آن مفسری فقیه و حکیمی عارف باشد بحث بود تا این که به نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی دست یافتیم. نویسنده در آن کتاب معاد جسمانی را اثبات کرده همچنان که در آیات کریمه قرآن درباره چگونگی آن سؤال شده است و همچنین مسائلی مربوط به آن را حل کرد. از این کتاب دو نسخه موجود است: نسخه اصلی با خط

نویسنده در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و نسخه دوم، رونوشت از نسخه اصلی است که در کتابخانه مدرسه مروی تهران موجود است. نسخه اصلی مشتمل بر ۲۴۴ صفحه و شامل یک مقدمه، پنج فصل و خاتمه است. ملا نعیم طالقانی (اعلی الله مقامه شریف) پس از عمر نسبتاً طولانی در راه کسب علم و فضیلت، تحقیق و تألیف، در شوال المکرم ۱۱۶۰ درگذشت.<sup>۱</sup>



۱. در باره تاریخ وفات و آرامگاه ملا نعیم اختلاف نظر وجود دارد. آیت الله رضا استادی در مقدمه منهج الرشاد گفته اند: «در زمینه زندگانی ملا نعیم تاریخ ولادت، تاریخ وفات، استادان، شاگردان، و آرامگاه او اطلاعات دقیق در اختیارمان نیست.» در صورتی که در همان مقاله از استاد آشتیانی چنین نقل کرده اند: «ملا نعیم قطعاً یک شخصیت گمنام نبود بلکه از علماء معروف بوده و مزارش مابین نور و طالقان زیارتگاه است.» همچنین در مقدمه موسوعه البرغانی و مقاله شهیدی صالحی، سال وفات ۱۱۸۰ ق ذکر شده است لیکن هیچ کدام صحیح نیست. بنده جهت رفع ابهام مزار ایشان را در قبرستان قدیمی روستای کرکبود از نزدیک زیارت کردم و عبارات سنگ مزار ایشان چنین یافتیم:

«آرامگاه مبرور مغفور (رضوان الله علیه) جناب مستطاب العلام الفهّام الفاضل العادل آخوند ملا نعیم ابن عرفی اعلی الله مقامه و رفع الله درجاته فی شهر شوال المکرم ۱۱۶۰ هـ ق.»



مزار ملانعیما طالقانی